

چارچوبی نوین برای خوانش معماری آرامگاهی ایران در دوره تاریخی ایلخانیان (مطالعه موردی: آرامگاه‌های محدوده جغرافیایی آذربایجان)

الناز بهنود*، لیدا بلیلان**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۷

چکیده

دوره ایلخانیان مغول یکی از ادوار مهم و سرنوشت ساز تاریخ ایران محسوب می‌شود و بسیاری از نوآوری‌های فرهنگ و تمدن ایران که در دوره‌های بعد پدیدار گشته‌ند پیامد تحولاتی بود که در زمان تأسیس سلسله ایلخانی با اینکا به پیشینه باعظمت ایرانیان به منصه ظهور رسید و دستاوردهای ارزشمندی را نیز به تاریخ بشری عرضه کرد. منطقه آذربایجان نیز در این دوره یکی از مراکز توانمند در عرصه‌های گوناگون هنر اسلامی گردید. پاییندی ایلخانیان به شمنیسم و رواج و اشاعه آن باعث شکوفایی تصوف در ایران عصر آنان شد. اگر عرفان را مکتبی فکری-عملی که سعی بر شناخت حقایق امور به طریق اشراق و کشف و شهود دارد، تعریف کنیم، عرفان شمنی و تصوف اسلامی در زیر این تعریف می‌گنجد. در این دوره در سایه آزادی مذهبی، تجلی آموزه‌ها و برخی از وجوده تصوف در ساختار کالبدی معماري بنها را شاهدیم. در بین مجموعه‌های معماری این دوره، معماری آرامگاهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه آرامگاه سازی در میان جوامع مختلف معلول عامل عمدۀ اعتقاد به جهان بعد از مرگ و حب ذات است، به نظر می‌رسد ساختار معماری آرامگاه‌ها، ارتباط تنگانگی با مفاهیم کهن الگویی داشته باشند. روانشناسی تحلیلی یونگ اینزار معرفی تازه‌ای جهت فهم معانی و دریافت پیامهایی نو از منابع هنری و ادبی به شمار می‌رود. بر اساس این نظریه، کهن الگوها، بن‌مایه‌ها و تصاویر نمادینی هستند که در اساطیر و فرهنگ‌ها، مفاهیمی مشترک و مشابهی را در ناخودآگاه بشر به جای گذاشته‌اند. یکی از کهن الگوهای مهم و محوری که در روانشناسی تحلیلی یونگ مطرح است، کهن الگوی فرآیند فردیت می‌باشد که در رابطه با پرسش‌های معنوی در مورد معنای زندگی و هدف هستی مطرح می‌شود. با این فرض که آثار معماری در ایران، به مثابه متون ادبی، واحد تفسیر و تشریح‌اند، این تحقیق سعی دارد با استناد به روش تحلیل کهن الگویی، خوانش معنایی جدیدی بر اساس تأثیر آینه‌های شمنیسم و تصوف در ساختار معماری این بنای‌های ارزشمند تاریخی را ارائه نماید. بر این اساس، فهرستی از آرامگاه‌های دوره ایلخانی با استناد به دایره المعارف پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی گردآوری شد و نهایتاً فرایند خوانش آرامگاه‌ها بر اساس رمزگان معماری (رمزگان تکنیکی، رمزگان نحوی و رمزگان معنایی) ارائه گردید.

واژگان کلیدی

دوره تاریخی ایلخانی، آرامگاه، خوانش معماری، منطقه جغرافیایی آذربایجان، تحلیل کهن الگویی.

مقدمه

فرهنگ و هنر کهن‌سال و دیرپایی ایرانی- اسلامی از قدیمی‌ترین ازمنه تاریخ همواره در میان سایر فرهنگ‌ها درخشیده است و نقش آن در بنای فرهنگ بشری بسیار قابل توجه بوده است. کمتر تمدنی را می‌توان یافت که از پیشینه‌ای این چنین گسترده و غنی برخوردار باشد. دوره ایلخانیان مغول یکی از ادوار مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران محسوب می‌شود و بسیاری از نوآوری‌های فرهنگ و تمدن ایران که در دوره‌های بعد پدیدار گشتند پیامد تحولاتی بود که در زمان تاسیس سلسله ایلخانی با اتکا به پیشینه با عظمت ایرانیان به منصه ظهور رسید و دستاوردهای ارزشمندی را نیز به تاریخ بشری عرضه کرد. منطقه آذربایجان نیز در این دوره یکی از مراکز توامند در عرصه‌های گوناگون هنر اسلامی گردید. با توجه به پیشینه تاریخی مغولان و اعتقاد آنها به آیین شمنیسم و پاییندی، رواج و اشاعه آن، باعث شکوفایی تصوف در ایران عصر آنها شد. در این دوران با سقوط خلافت بغداد و دولت عباسی و از بین رفتن مرکز دینی و سیاسی اسلام، جامعه مسلمانان بیش از پیش تسليیم آسان‌گیری مذهبی و عواطف انسانی مسلک تصوف گردید و کار صوفیان از رونق و رواج بیشتری برخوردار شد. اختصاص اموال و اراضی در این دوران به خانقاہ‌ها و پیران طریقت قابل مقایسه با دیگر ادوار تاریخی نیست. از آنجا که خانقاہ‌ها زیرمجموعه‌ای از فضای معماری آرامگاهی ایران را تشکیل می‌دهند و آرامگاه سازی معلول عامل عمدۀ اعتقاد به جهان بعد از مرگ و حب ذات است و در دوره ایلخانی منبع تأثیر بسیاری از آنها اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه بوده است، نویسنده‌گان را بر آن داشت، مجموعه‌های آرامگاهی را به عنوان نمونه مورد بررسی پژوهش انتخاب نمایند. این مقاله بر آن است تا در بستر تاریخی دوره ایلخانی، پس از بررسی تطبیقی عرفان شمنی و تصوف اسلامی، به روش تحلیل کهن‌الگویی، خوانش معنایی جدیدی از معماری آرامگاهی این دوره ارائه نماید.

مبانی نظری

در زمینه معماری ایران در دوره ایلخانان مطالب بسیاری یافت می‌شود که اکثر اداری بار علمی بوده و نگارنده‌گان در جای خود از آن مطالب بهره گرفته‌اند. مطالعات متعددی نیز پیرامون مجموعه آرامگاه‌های این دوره توسط سازمان میراث فرهنگی صورت گرفته است که اغلب آنها با رویکرد توصیفی به شرح مشخصات تاریخی- کالبدی و مرمت بنها پرداخته‌اند. در رابطه با کهن‌الگوها نیز نرگس دهقان، غلامحسین معماریان و دیگر همکاران در مقاله مقایسه تطبیقی مفهوم عروج در مشترکات معنایی کهن‌الگو با کالبد معماري مفهوم عروج را به عنوان یکی از مقاهم کهن‌الگویی در نظر گرفته‌اند (دهقان و همکاران، ۱۳۹۰). حسنه هروی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله بازتاب کهن‌الگوی مادر در معماری تاریخی ایران بر اساس آرای یونگ^۱، با نقد روانکاوانه حضور تأثیر را در معماری تاریخی ایران اثبات می‌کنند. بهنود و همکاران (۱۳۹۹) نیز در مقاله تجلی کهن‌الگوهای یونگ در ساختار معماري مجموعه آرامگاهی عارف چلبی اوغلو، به بررسی کهن‌الگوی فرایند فردیت در ساختار مجموعه آرامگاهی پرداخته‌اند. بررسی ادبیات پژوهش نشان دهنده آن است که علی رغم آنکه ارزش‌های دانش روان تحلیلی و تئوری کهن‌الگوها در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی نگرشی مورد اقبال بوده است، ارج و منزلت آن در معماری کمتر مورد توجه واقع شده است. علی‌رغم تالیف روزافزون آثار پژوهشی از معماری این دوره، تاکنون پژوهشی مستقل در رابطه با نحوه خوانش معنایی ساختار فضایی مجموعه‌های آرامگاهی صورت نگرفته است و این موضوع برای نخستین بار در این تحقیق بررسی می‌شود.

در رابطه با چارچوب نظری پژوهش، ابتدا بستر تاریخی دوره ایلخانی بررسی می‌شود و سپس به تحلیل مقاهم کهن‌الگویی پرداخته می‌شود و نهایتاً در رابطه با تحلیل کهن‌الگویی معماری آرامگاهی دوره مذکور بحث جمع‌بندی می‌گردد.

بستر تاریخی دوره ایلخانان مغول

ایلخانان نام سلسله‌ای مغول است که از سال ۶۵۱ تا ۷۵۶ م.ق معاذل ۱۲۵۶ تا ۱۳۴۹ میلادی در ایران حکومت می‌کردند و فرزندان چنگیز خان مغول بودند. فتح ایران به دست هلاکوخان پیامدهای مهمی چون پایان کار اسماعیلیان و انقراف خلافت عباسیان در پی داشت (De Nicola, 2020).

زادبوم مغولان دشته وسیع، مسطح و تا حد زیادی بدون درخت بود که در سراسر آسیا امتداد داشت و در آن قبایل مختلفی زندگی می‌کردند. این قبایل از لحاظ زبانی به یکدیگر مرتبط بودند ولی هویت جمعی واحدی نداشتند. در سده سیزدهم میلادی قبیله‌ای گمنام در شرق مغولستان از طریق اتحاد با سایر قبایل دشت پهناور، سپاه نیرومندی را تحت رهبری مردی به نام تموجین(چنگیزخان) تشکیل داده و در سال ۱۲۶م امپراتوری مغول را بنیان نهاده (هال، ۱۳۸۶، ۵). شیوه زندگی آنها بر اساس چادرنشینی و عمدتاً بر پرورش گوسفند و اسب استوار بود و به طور مرتب در فصول مختلف برای گله‌های خود در جستجوی مرتع و چراگاه بودند و بیلاق و قشلاق می‌کردند. سازمان اجتماعی مغولان، آنها را به لحاظ دفاع، تغییر مکان و یورش، آماده و انعطاف‌پذیر می‌کرد (گارثوت، ۱۳۸۷، ۲۵۴).

مطالعات پژوهی هفتاد و هشتمین دوره پژوهش / سال بازدیده / پیاپی ۱۴۶

دین؛ آیین شمنی^۳، خاستگاه و باورها: از آغاز قرن بیستم، قوم شناسان از واژه‌های «شمن»، «حکیم ساحر»، «ساحر» و «جادوگر» به جای یکدیگر برای نامگذاری افراد خاصی که دارای نیروهای جادویی- مذهبی هستند و در همه جوامع ابتدایی یافت می‌شوند، استفاده نموده‌اند (الیاده، ۱۳۹۲، ۱، ۳۹). اصطلاح شمنیزم در اصل توسط انسان‌شناسان برای اشاره به مذهب مردمان اورال- آلتایی در سیبری به کار گرفته شد که مطابق این آیین عناصر خیر و شر در زندگی از ارواحی بوجود می‌آمد که شمن‌ها بر آنها کنترل داشتند(مصطفا، ۱۳۸۰، ۱۳۳۸). روی هم رفته شمنیسم یک مذهب نیست و فاقد یک عقیده دینی، یک مکان مقدس، یک کیش پرستش و یا تجسم خدا است(اشپولر، ۱۳۵۲، ۱۷۶).

ارتباط شمنیسم و اقوام مغول: مغولان بر آیین «شمنی» بوده‌اند. همانطور که گفته شد آیین شمنی عبارت بوده است از نوعی یگانه‌پرستی که در آن ایزدان گوناگون با مرتبه‌های پایین‌تر، در نگاهداری و نظم کائنات با خدای یکتا سهیم شناخته می‌شدند. در این آیین ارواح نیک و ارواح پلید، فرشتگان و اهریمنان در زندگی روزمره اهمیت اساسی داشته اند(بیانی، الف، ۱۳۸۱، ۱). این آیین دارای وجودی جادویی است که حول شخصیت شمن متمرکز است و او نه تنها جادوگر و حکیم، بلکه شفادهنده، عارف و شاعر نیز هست. خدای بزرگ جاودانی مغولان در آسمان به سر می‌برد. در نظر آنان «آسمان آبی جاویدان» دارای نیرویی نهانی و ایجاد کننده و اداره کننده و قدرت ایجاد است(بیانی، الف، ۱۳۸۱، ۲). مغولان برای حرف زدن با آسمان آبی جاودانه به قله کوه مقدس صعود و ابراز فروتنی می‌کردند(هال، ۱۳۸۶، ۲۰). کوه‌های مقدس جایگاه خدایان بوده و رابطه بین آسمان و زمین به شمار می‌آمدند(هال، ۱۳۸۳، ۲۱۶). پرواز و ارتباط با آسمان یکی از آرزوهای آنها بود که فقط شمن‌ها در سفرهای خلسله آمیز و عرفانی خود قدرت آنرا می‌یافتنند. مغولان با چنین فرهنگ دینی به ایران سرازیر شدند و حتی پس از تغییر دین، هنوز بسیاری از اعتقادات و آداب و رسوم قبلی خود را حفظ کرده بودند(Blair & Bloom, 1996).

معماری: قوم مغول به دلیل زندگی ایلیاتی همانند هر قوم بدیگر دارای مکان ثابتی برای زندگی نبودند و قرارگاه ایشان انحصار به همان چادرهای ایلیاتی و یورت‌های مخصوص داشته که در حین قرار مجموع آنها حکم شهری را پیدا کرده و پس از حرکت اثری از آنها به جا نمی‌مانده است(اقبال، ۱۳۷۹، ۵۶۲). تا موقع اسلام آوردن ایلخانان، مغولان اجساد خان‌ها و بزرگان خود را دور از نظر عامه در محل‌هایی مخفی دفن می‌کردند. چنان که هیچکس از محل آن اطلاعی نداشت و اطراف آن را غرق(قرق) می‌کردند تا کسی به آن نزدیک نشود(همدانی، ۱۳۷۳، ۴۱۵). با این حال در حفاری‌های انجام گرفته در آسیای مرکزی مقابری کشف شده که به شکل یورت‌های عظیمی بوده که از مواد بادوامی ساخته شده و با دیوارهایی گرد احاطه شده بودند(هیلن براند، ۱۳۸۳، ۳۳۶).

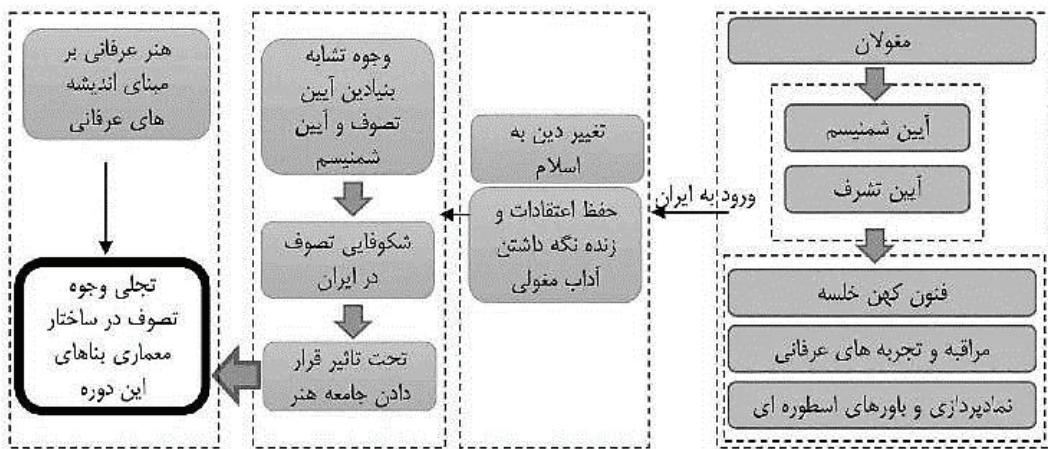
تطبیق عرفان شمنی و تصوف اسلامی: اگر عرفان را مکتبی فکری- عملی که سعی بر شناخت حقایق امور به طریق اشراق و کشف و شهود دارد، تعریف کنیم، عرفان شمنی و تصوف اسلامی در زیر این تعریف می‌گنجد. عرفان شمنی که بر پایه خلسله و ریاضت بنا شده و بدین طریق با عالم مینوی یا ارواح ارتباط برقرار می‌کند، نقاط مشترک زیادی با عرفان و تصوف اسلامی دارد که از جمله مهمترین آنها عبارتند از:

- (۱) خلسله‌گی و بی خوبی؛
- (۲) موسیقی و پایکوبی؛
- (۳) عروج؛
- (۴) پرواز جادویی؛

تبلور آموزه‌ها و برخی از وجوده تصوف در ساختار کالبدی معماری بنای‌های دوره ایلخانی

معماری ایران در عهد ایلخانیان را می‌توان ادامه و در مواردی رشد و توسعه روش‌ها و شیوه‌های پیشین دانست که به دست هنرمندان انجام گرفته است(Bloom, 2006). در این معماری ویژگی نسبتاً غریبی دیده می‌شود که عبارت از به کار گیری مقیاس عظیم ساخت بنایها و نوعی علاقه‌آگاهانه به بلند تر کردن و حالت عمودی بخشیدن به آنهاست که آن را می‌توان به عنوان مهمترین تاثیر مغولان بر معماری این دوره در نظر گرفت. با توجه به پیشینه فرهنگی مغولان و تداوم این فرهنگ در ضمیر حاکمان ایلخانی تا آخرین آنها، این امر می‌توانست به چند دلیل استوار باشد:

- خودنمایی و ابراز قدرت حاکمان مغولی؛
- جاودانه کردن خود از طریق ساخت بنای‌های عظیم در ممالک مفتوحه و مهمترین آنها؛
- رشد و گسترش تصوف در اثر نوعی همخوانی با شمنیسم حاکمان مغولی و تبلور وجودی از این آیین همچون کوه کوهانی و سماع صوفیانه در ظاهر بنای‌ها(میری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ۷۴). (تصویر ۱)



تصویر ۱- فرآیند تجلی وجوه تصوف در ساختار کالبدی معماری بناهای دوره ایلخانی(ماخذ: نگارندگان)

معماری آرامگاهی ایران در دوره ایلخانی

«مرقد» و معادل فارسی آن خوابگاه و نیز معنای گور، آرامگاه، قبر و جایی که مرده را در آن دفن سازند(دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۶۹۲). گویا آرامگاه معنای نمادین دارد یعنی جایی که روح از دندگنهای دنیوی خارج شده به آرامش می‌رسد. آرامگاه، پس از مسجد، متدالوی ترین نوع بنای عمومی در معماری اسلامی ایران است. به طور کلی آرامگاه به بنایی گفته می‌شود که یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی در آن دفن شده باشد. نخستین آرامگاه اسلامی «قبه الصلبیه» در سامر، منتبه به نیمه قرن نهم میلادی است. نخستین آرامگاه‌های اسلامی احتمالاً برای بزرگداشت سلاطین و تجلیل ائمه شیعه برپا شد. این آرامگاه‌ها در ایران به صورت برج و یا بناهای مریع شکل بودند که قبه‌هایی بر روی سکنج‌ها داشتند(اتینگ‌هاوزن، ۱۳۸۱: ۳۸۱). تنها در ایران دوره اسلامی است که ایجاد مقبره‌ها و زیارتگاه‌ها از سبقه طولانی و ویژگی‌های معماری منحصر به فرد و تزئینات باشکوه برخوردار است. این گونه بناها به نام‌های برج، گنبه، بقعه و مزار نیز معروف شده‌اند. آزوهای ریشه دونده و پایدار انسان برای نگاهداشت یاد دلیلی است کافی برای وجود مقابر اسلامی. با توجه به بناهای به جامانده از دوره ایلخانی باید این عصر را عهد معماری پرشکوه بدانیم. دوره مغول شاهد دگرگونی عمده‌ای در ساخت فضاهای معماري به ویژه آرامگاه‌ها بود(هیلین براند، ۱۳۸۶، ۱۵۷) و مقابر این دوره از گسترش و عظمت بیشتری برخوردار بودند. به طور کلی مقابر دوره ایلخانی به دو گروه تقسیم می‌شوند: مقابر غیرمذهبی یا بناهای آرامگاهی و مقابر مذهبی یا امامزاده‌ها. فهرستی از آرامگاه‌های دوره ایلخانی با استناد به دایرةالمعارف پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و پایگاه مطالعاتی پژوهشی سلطانیه، بر اساس محل، تاریخ و شماره ثبت ملی مطابق جدول ذیل گردآوری شده است.(جدول ۱) مفهوم کهن الگو(آرکی تایپ)^۳: آرکی تایپ برگرفته از واژه یونانی آرکه تیپوس است. این واژه در زبان یونانی به معنی مدل یا الگویی بوده است که چیزی را از روی آن می‌ساختند. واژه آرکی تایپ در فلسفه و روانشناسی به معنای الگوی آغازینه یا کهن الگو، خصیصه و سرشنست آمده است(معماریان و همکار، ۱۳۹۲: ۱۰۴). آرکه بزرخ میان مفهوم اسطوره‌ای منشأ و مفهوم فلسفی اصل را نشان می‌دهد(کاسپیر، ۱۳۸۷: ۴۲). ابداع این مفهوم را به افلاطون(۴۲۸-۳۴۸ق.م) نسبت می‌دهند. واژه آرکی تایپ به عنوان «یانی تفسیری» از مُثُل افلاطون، مبنی بر آنکه همه موجودات، مخلوقاتی ساختگی هستند، اتخاذ شد(افلاطون، ۱۳۸۰، جمهوری، دفتر هفتم). کارل گوستاو یونگ، از جمله افرادی بود که در قرن بیستم میلادی در ترویج واژه آرکی تایپ نقش بسزایی داشت. او برای توصیف چهارچوب اولیه آرکی تایپ، در ابتدا طیفی از اصطلاحات از جمله «صورت ازلی» را به کار می‌برد، اما در ۱۹۱۹ م. برای اولین بار از واژه «آرکی تایپ» استفاده کرد(Jung, 1990). بنا به گفته یونگ همه انسان‌ها در یک «لایه» روانی به نام آرکی تایپ مشترکند. از نظر یونگ آرکی تایپ‌ها فقط نام یا تصورات فلسفی نیستند، بلکه اجزایی از خود زندگی هستند که به طرز جدایی‌ناپذیری با پلی از عواطف به انسان مرتبط هستند. به همین جهت، هرگونه تعبیر قراردادی (یا جهانی) درباره هر آرکی تایپ غیر ممکن است. شکل‌های آرکی تایپ‌ها تا حد قابل ملاحظه‌ای قابل تبدیل به یکدیگر هستند و عموماً وجه اشتراک انسان‌ها را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند(بیلسکر، ۱۳۹۱: ۸۲).

کهن الگوی تولد، مرگ، بازتولد^۴: گرایش به آغاز زندگی جدید و تولد دوباره همواره مورد توجه بشر بوده و از مهمترین مفاهیم مشترکی است که در ناخودآگاه جمعی بشر بوجود آمده است. از منابع اصیل برای مطالعه این کهن الگو، قرآن و کتاب مقدس است. حدیث مشهوری را هم عموم صوفیه از پیامبر اکرم^(ص) روایت کرده‌اند که می‌فرماید: «متو قبیل ان تموتا» بمیرید پیش از آنکه بمیرید. یونگ نیز در آثار خود از

کهن الگوهای بسیاری نام برده است ولی در کتاب چهار صورت مثالی به طور مفصل از کهن الگویی یاد می‌کند که در بیشتر آثار دیگرش هم از جمله بحث برانگیزترین کهن الگوها بوده است. و آن کهن الگوی تولد دوباره یا بازتولد است(یونگ، ۱۳۶۸، ۶۷).

جدول ۱- فهرست آرامگاه‌های ایران دوره ایلخانی

(مأخذ: نگارندهان با استناد به دایرةالمعارف پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و پایگاه مطالعاتی پژوهشی سلطنهای)

آرامگاه‌های ایران در دوره ایلخانی			
شماره ثبت ملی	تاریخ	محل	عنوان
۱۲۶	۵۶۳	مراغه	گنبد دور مراغه
۱۲۵	۵۹۳	مراغه	برج کبود مراغه
۱۷۷	۶۸۸	ورامین	برج مقبره علاءالدین
—	۶۹۸	اصفهان(فالورجان)	آرامگاه پیر بکران
—	در حدود	تبیز	غازانیه
۶۹	۷۰۰	بسطام	مقبره برجی بسطام
۹۵۱	۷۰۰	آستانه	مقبره شیخ محمود
۱۴۷	در حدود	ری	مقبره برجی
—	در حدود	سمنان	مقبره علاءالدوله
۴۴۰	در حدود	فیروزکوه	بقعه درویش ابراهیم یقین
۱۸۸	۷۰۹	نظر	مقبره شیخ عبدالصمد اصفهانی
۱۶۶	۷۱۳	سلطانیه	مقبره محمد اولجايتو
۳۲۱	در حدود	زنجان	بقعه قیلار نبی
—	در حدود	ابهر	آرامگاه مولانا قطب الدین
۱۷۳	در حدود	طوس	هارونیه
۹۴	در حدود	همدان	گنبد علویان
۱۹۶	در حدود	ابرقو	مقبره حسن بن کیخسرو
۲۴۶	۷۲۵	بزد	مقبره سید رکن الدین
۱۳۷	در حدود	مراغه	گنبد غفاریه
۷۹۹	در حدود	کلیبر	برج قارلوجا
۲۵۱۵	در حدود	ورزان	گنبد الله الله
۱۸۴	۷۳۱	مشکین شهر	مقبره شیخ حیدر
۱۶۷	۷۳۳	سلطانیه	آرامگاه جلیل اوغلو
۱۲۹	در حدود	قم	گنبد سبز
۳۳۲	در حدود	قزوین	مقبره حمدانه مستوفی
۴۱۹۷	در حدود	شبستر	بقعه شیخ محمود شبستری
۲۴۵۲	در حدود	اراک	مقبره شاه قلندر
—	۷۵۷	سرخس	مقبره شیخ محمد بن محمد لقمان
۱۲۴۴	در حدود	تکاب	بقعه ایوب انصاری
—	در حدود	کرمانشاه	آرامگاه بابا یادگار
۶۴	۷۳۵	اردبل	آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی
۱۶۸	در حدود(ایلخانی-صفوی)	سلطانیه	آرامگاه ملا حسن کاشی

یونگ در مقاله «در باب باز تولد» با نقل افسانه‌ای نحوه پیدایش این کهن الگو را روشن می‌سازد. داستان پیرمردی که در یک غار به دنبال چیزی بود که نمی‌دانست چیست. پس از مراقبه‌های طولانی، چاره‌ای ندید به جز اینکه تمام انواع نمودارها را بر روی دیوارهای غارش ترسیم کند تا بتواند دریابد آن چیز ناآشنا شبیه چیست. پس از تلاش‌های بسیار به یک دایره رسید. احساس کرد که «همین است» و «یک مربع داخل آن!» که آن را بهتر می‌کرد، تصویر یک ماندالا^۵ (صنعتی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۹۱). طبیعت خود خواستار مرگ و تولد مجدد است. فرآیندهای تحول طبیعی وجود دارند که به سادگی برای ما اتفاق می‌افتد. هر فرد اندیشمندی ماندالاهایی ترسیم می‌کند و در یک حلقه محافظتی خود به دنبال پناهگاهی خواهد گشت(Stevens, 2012). ماندالاهای تولدند، ظرفی برای تولد به معنای واقعی کلمه Jung, 2014).

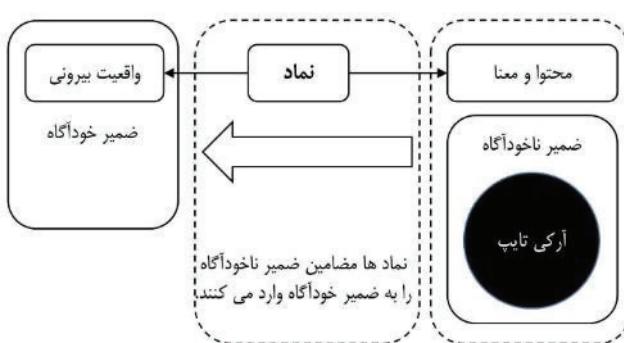
عینیت یافتن کهن الگوها در کالبد معماري: انسان‌ها برای فایق آمدن بر شکاف بین بخش آشکار و پنهان ذهن خود، در پی شناخت کهن الگوها، به منابعی چون نماد، اسطوره و رؤیا نیاز دارند. کهن الگوها زمانی ظاهر می‌شوند که محتوایی پیدا کنند، زیرا کهن الگوها به خودی خود تهی و خالی هستند(Hunt, 2012).

رؤیا: یونگ که مدتی از پیروان مکتب فروید بود، به سبب پافشاری فروید بر برخی عقاید، از جمله تأثیر غریزه جنسی در رفتار آدمی، از او جدا شد و اعلام داشت که "انسان قرن بیستم زیاده از حد عقلایی شده و تکیه افراطی به ضمیر آگاه نموده و نیروهای دیگر انسان، از جمله ضمیر ناآگاه دست کم گرفته شده‌اند تا بدان حد که ارزش روحانی و غیر مادی انسان تحت شعاع امر مادی و جسمانی قرار گرفته است"(دایر، ۱۳۸۵: ۵). فروید" در آثار اولیه خود این عقیده را بیان کرد که زندگی روانی از دو بخش تشکیل شده است(هشیار و ناهشیار). بخش هشیار مانند قسمت مشهود قطعه یخی شناور، کوچک و بی‌اهمیت است و تنها، نماینده جنبه ظاهر کل هر شخصیت است. بخش ناهشیار عظیم و نیرومند است، مانند قسمت بزرگتر یخ که در زیر آب جای دارد و شامل غرایز است که نیروی سوق دهنده همه رفتارهای انسان است"(شولتز، ۱۳۸۵: ۴۶۸). سپس یونگ ناخودآگاه را دو بخش دانست و علاوه بر ناخودآگاه شخصی که فروید مطرح کرده بود، "تحت تأثیر مثل افلاطونی، نظریه فلاسفه اشرافی و عرفان هندی، برای انسان یک ناخودآگاه جمعی قائل شد که محل نگهداری کهن الگوها به شمار می‌آید"(بتولی، ۱۳۷۶: ۷۳). رؤیا نیز از طریق زبان نمادین، ضمیر ناخودآگاه شخصی را به ضمیر خودآگاه پیوند می‌دهد. در حقیقت، جنبه ناخودآگاهانه هر رویدادی به شکل صورتی خیالی و نمادین در رؤیا ها آشکار می‌شود(یونگ، ۱۳۹۵: ۲۸). نمادها در خواب به گونه‌ای خودانگیخته بروز می‌کنند، زیرا خواب دیدن یک اتفاق است و نه یک ابداع. و بنابراین خواب منبع اصلی شناخت ما درباره نماد است. پیام ویژه خواب نیز سهیم شدن ناخودآگاه در خودآگاه می‌باشد(یونگ، ۱۳۹۵: ۶۹).

اسطوره: اسطوره‌ها، مانند رؤیاها، از اعماق روان و ناخودآگاه جمعی برمی‌خیزند و مضامین مشترک را به صورت عینی و نمادین باز می‌گویند. انسان در روزگار کهن عالم را آنکه از پیام‌های شوم می‌یافتد و نیاز داشت اسطوره‌هایی ابداع کند تا راز آن پیام‌ها را بگشاید (الیاده، ۱۳۹۳: ۶۷). ظاهرا پیدایش اسطوره هم زمان با ظهور نوع بشر است. زمانی که به جای ویژگی‌های فیزیکی، ویژگی‌های روانشناختی گونه بشری را بررسی می‌کنیم، در می‌یابیم بینش و آگاهی از فانی بودن و نیاز فراتر از مرگ رفتن، اولین تمایل بشر برای اسطوره است. دوم آگاهی از اهمیت گروه اجتماعی است که فرد در آن به دنیا می‌آید. عامل سومی نیز وجود دارد که تأثیر عمیق و گسترده‌ای در شکل گیری اساطیر داشته است. این عامل سوم کاملاً و مشخصاً مربوط به تجربه انسان می‌شود. انسان ضمن اینکه رشد و پیشرفت می‌کند، وقدرت تفکر و مشاهداتش به بلوغ می‌رسند، ناگزیر نسبت به جهان پیرامونش آگاهی پیدا می‌کند و رابطه مرموز وجودش را در آن می‌کاود. (تصویر ۲)



تصویر ۲. نحوه شکل‌گیری تفکر اسطوره‌ای (مأخذ: نگارندهان با استناد به کمبل، ۱۳۹۵: ۳۱)



تصویر ۳. تجلی کهن الگو در نماد (مأخذ: نگارندهان)

نماد: نماد در نقش پلی میان دو لایه روانی، ضمیر ناخودآگاه و خودآگاه عمل می‌کند. از آنجا که مجموعه ابزارهای متعارف ارتباطی، توان بیان مضامین دینی و اسطوره‌ای را ندارد، انسان‌ها نیاز دارند برای این مقصد نماد ابداع کنند زیرا بیان آنها به طریقی دیگر ممکن نبوده است. هر نماد را می‌توان به دو شکل بررسی کرد: نخست واقعیت بیرونی آن و دوم نمادین بودن اجزای آن که دربردارنده محتوا و معنای آن نماد است. (تصویر ۳)

اگر پذیرفته شود که نماد و اسطوره از عناصر مشترکی تشکیل شده‌اند و معماری نیز بیانی مکان‌مند و زمان‌مند از اسطوره و نماد است، آنگاه امکان تجلی کهن الگوها در فضاهای معماری آرامگاهی دارد (دهقان و همکار، ۱۳۹۰، ۹۴).

عینیت یافتن کهن الگوها در کالبد معماری آرامگاهها: بسیاری از بنای‌های تاریخی عبادتی-آرامگاهی بر اساس طرح ماندالایی شکل گرفته است و در اطراف این بنای‌های مربع شکل، حصارهای دایره‌ای و دروازه‌هایی در چهارجهت وجود دارند و در مرکز آنها، بنای اصلی و در حقیقت خانه‌ای برای پیوند آسمان و زمین قرار دارد. میرچا الیاده معتقد است، زائر از طریق صعود از نیایشگاه خود را به مرکز دنیا نزدیک می‌کند و به سرزمینی پاک و همگون وارد می‌شود (الیاده، ۱۳۸۴، ۶۵).

هدف از برابرسازی دو نماد مهم آسمان (یا دایره) و زمین (یا مربع) برای بدست آوردن ترکیبی متعالی تر است. چهارگوش کردن دایره برای دستیابی به وحدت در جهان مادی (و نیز در جهان معنوی)، فراتر از تمایزها و موانع اعداد چهار و مربع است. (سلول، ۱۳۸۹، ۳۳۱). اگر دایره نماد آسمان است، مربع نماد زمین است و اگر دایره نماد زمان است و مربع نماد مکان، مربع به دایره تبدیل می‌شود و از شکلی که ابتدا و انتهای آغاز و پایان دارد، به شکلی که نه ابتدا دارد و نه انتهای، نه آغاز دارد و نه پایان، می‌رسیم. این فرم در چهارطاقی‌ها نیز تجلی یافته است. چهارطاقی با حجم مکعب، که به صورت انسان، زمین و یا بهشت زمینی دیده می‌شود، نماد متعالی سکون و آشکارترین تجلی آفریدگار است. گنبد دور و کروی روی آن نماد سبکی و پویایی مطلق روح است که آغاز و پایانی ندارد (اردلان و همکار، ۱۳۹۴، ۱۰۵).

طرح چلپایی نیز در شکل‌گیری آرامگاه‌ها نقش داشته است. چلپایی یا چرخ زندگی یا گردونه مهر نمادی از نیروهای نهفته در طبیعت به شمار آمده است. چلپای دارای نمادهای بسیار از جمله خورشید، آتش، چهار عنصر (آب، باد، خاک و آتش)، نماد پیدایش و گردش چهار فصل، چرخ هستی و آفرینش، نمایانگر کثرت و رسیدن به وحدت و بازگشت به آفریننده است (ذکرین، ۱۳۹۰، ۲۶). چلپای یک رمز کلی است که دایره شمولش، کل مراتب وجود، اعم از عالم اصغر و عالم اکبر را در بر می‌گیرد (گنون، ۱۳۷۴، ۷). نقش رستم، آرامگاه شاهان هخامنشی، نمایی به شکل چلپای دارد. محل تقاطع دو بازوی چلپای، محل ورود درون قبر است، پس مرکز چلپای نقطه‌ای بسیار مهم در شکل‌گیری فضای چلپای‌گونه بوده است (کشتگر، ۱۳۹۱، ۶۷). نقطه تلاقی نقطه‌ای است که روح از جسم مادی جدا شده و به ملکوت می‌رسد. انسان همواره پیوندی را میان خود و فضای بیکرانه احساس می‌کند و تلاش می‌کند راهی برای عروج از عالم خاک به فضای برتر و پرمعنای‌تر بیابد. مرقد و معادل فارسی آن خوابگاه و نیز به معنای گور، آرامگاه، قبر و جایی که مرده را در آن دفن می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۶۹۲)، معنایی نمادین دارد یعنی جایی که روح از دغدغه‌های دنیوی خارج شده و به آرامش می‌رسد (عنقه و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۵۸). آرامگاه شامل جسد و یک اتاق خالی است. خلاً یعنی آنچه از اشیا تهی است و به صورت اثر حضور خداوند در نظام هستی جلوه می‌کند. فضای خالی رمز تعالی پروردگار و هم حضور او در تمام اشیا است (نصر، ۱۳۹۷، ۱۹۷)، همانطور که در قرآن می‌فرماید: «فاینما تلو فتم وجه...» (بقره/ ۱۱۵). بنابراین تهی بودن در هنر، تجلی امر قدسی می‌شود (همان، ۱۹۹).

آرامگاه به واسطه تهی بودنش حس حضور الهی و ارتباط با مبدأ هستی را القا می‌کند. انسان‌ها طی هزاران سال به این موضوع آگاهی یافته‌اند که موجوداتی در حال گذار هستند به خصوص مراحل ویژه‌ای از زندگی به عنوان گذر قدسی در ناخودآگاههای جمعی انسان‌ها ثبت شده است. در بین فضاهای معماری، این کهن الگوی «تولد، مرگ و بازتولد» در صور مختلف، به صورت گذر از جهان مادی سپس مکث در فضایی واسط و بزخ‌گون برای ورود به بهشت موعود و نهایتاً رسیدن به کمال مطلق و سیر در فضای خالی، تهی و خلاً به شکل سلسله مراتب دنیوی به مراتب اخروی در فضاهای آرامگاه‌ها عینیت یافته است.

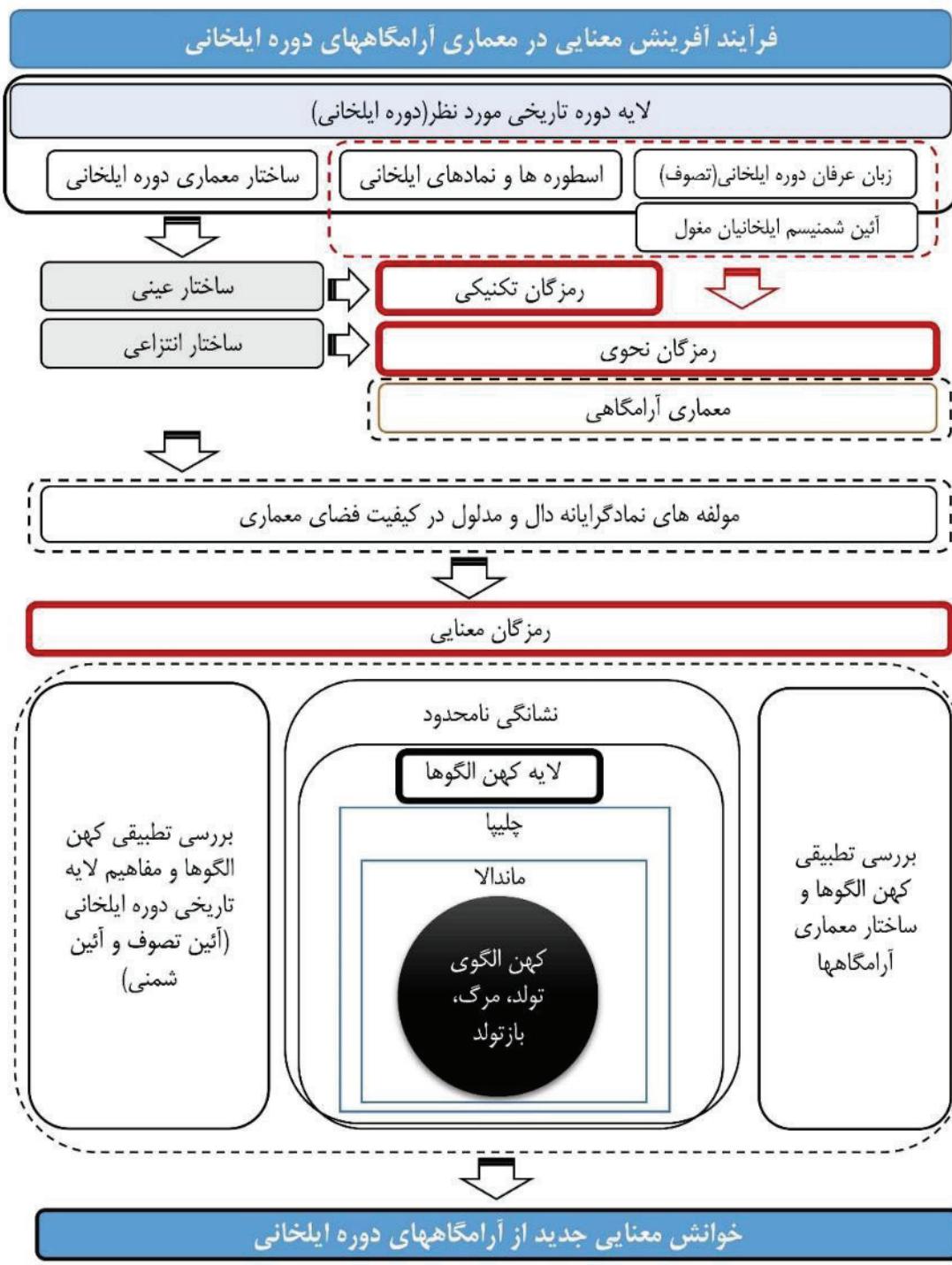
روش تحقیق

بر اساس ماهیت پژوهش تحقیق و از آنجا که نمونه‌های مورد بررسی متعلق به گذشته می‌باشند، این پژوهش از نوع کیفی و به روش تاریخی-تفسیری صورت گرفته است. بر این اساس ابتدا بستر تاریخی مورد نظر (دوره ایلخانیان)، اسطوره‌ها و آینین‌های مرسوم در این دوره مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه به شناخت و معرفی مجموعه آرامگاه‌ها پرداخته می‌شود و اطلاعات مربوط به آنها به شیوه کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی گردآوری می‌شود. سپس با رویکرد نشانه‌شناسی و تطبیق آن با تحلیل‌های کهن الگویی، معنای‌های پنهان عناصر کالبدی آنها تفسیر می‌شوند و نهایتاً فرایند خوانش معنایی آرامگاه‌ها بر اساس رمزگان معماری (رمزگان تکنیکی، رمزگان نحوی و رمزگان معنایی) ارائه می‌گردد.

یافته‌های تحقیق

فرایند تفسیر، خوانش و معناسازی ساختار معماری آرامگاه‌های دوره ایلخانی به روش تحلیل کهن الگویی

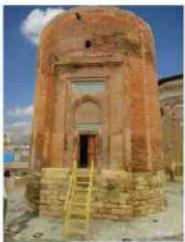
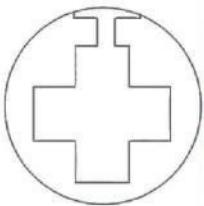
آنچه در این پژوهش در خصوص ارتباط میان کهن الگوها و ساختار معماری آرامگاه‌ها بیان گردید، خوانش معنایی جدیدی از این بنها را ارائه می‌دهد که می‌توان آنها را به صورت رمزگان معماری به همراه تحلیل کهن الگویی بیان نمود. (تصویر ۴) با بدست آمدن چارچوبی نو در این فرایند خوانش، می‌توان این چارچوب را بر روی ساختار آرامگاه‌ها پیاده کرد که به صورت تصاویر ذیل قابل مشاهده است. از بین آرامگاه‌های دوره ایلخانی که در جدول ۱ آورده شده بود، آرامگاه‌هایی از منطقه جغرافیایی آذربایجان به عنوان منطقه‌ای که بیشترین تأثیرپذیری از مفولان را داشته‌اند، انتخاب شدند. (تصاویر ۵-۶-۷-۸-۹)



تصویر ۴. چارچوبی نوین برای خوانش آرامگاه‌های دوره ایلخانی

شماره ثبت ملی: ۱۳۶

بنای آرامگاهی گنبد مدور مراغه



رمزگان معماری

رمزگان تکنیکی

بنا به شکل استوانه آجری بر روی سکوی بلند سنگی - دارای پلان مدور - از اره های سنگی - دارای دو طبقه و سرداب - دارای گنبد دو پوش - پوشش و تزئین گچی داخل اتاق - تزئینات مختلف از اشکال هندسی با ترکیبی از آجر، سفال و کاشی فیروزه ای - دارای دو کتیبه به خط کوفی تزئینی از کاشی فیروزه ای -

رمزگان نحوی

شكلگیری کالبد بنا بر اساس کارکردهای آرامگاه - کشیدگی اغراق آمیز بنا به سمت آسمان - اهمیت توجه به ارتفاع - اهمیت توجه به فضای تهی

رمزگان معنایی

دلالت های معنایی عمیق تر در بررسی عناصر معماری (مقبره استوانه ای) به شکل ماندala و نمایش سلسله مراتب گذرا قدسی) - تأثیر تفکر عرفان در معماری بنا

چلپیا

دایره

ماندala

آرکی

تایپ

عرفان

دایره، نماد وحدت و تمامیت، نماد روح، نماد کمال، نماد زمان، نماد ابدیت و بی انتهایی است.

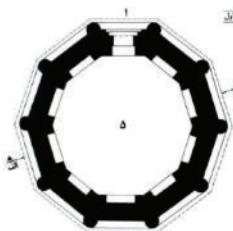
در تفکر عارفانه، مرکز و نقطه مرکزی اهمیت بسیاری دارد؛ چنان که «قطب»، مدار عالم و مرکز دایره وجود معرفی شده است.

بستر تاریخی - در حدود (سلجوqi - ایلخانی(ناشخص))

تصویر ۵. فرآیند خوانش بنای آرامگاهی گنبد مدور مراغه بر اساس تحلیل کهن الگویی

شماره ثبت ملی: ۱۳۵

بنای آرامگاهی برج کبود مراغه



رمزگان معماري

رمزگان تکنيكي

بنا به شکل ده پهلو و منشوری - دارای گنبد مخروطی - دارای دو طبقه و سردابه مخصوص دفن - پهلوها شامل طاقمنها با تزئینات مرکب آجر و سفال و کاشی فیروزه ای و اشکال هندسی - اطاق مزین به گچبری و کاشی - سقف طبقه پایین به صورت مقرنس - گچبری دو آیه با خط ثلث روی سنگ قبر - ورودی در ضلع شرقی و سه پله بالاتر از کف سرداب

رمزگان نحوی

شكلگیری کالبد بنا بر اساس کارکردهای آرامگاه - کشیدگی اغراق آمیز بنا به سمت آسمان - اهمیت توجه به ارتفاع - اهمیت توجه به فضای تهی - اهمیت توجه به سقف، پرداخت هندسی و زیبایی شناسی زیر گنبد - بنا مظہر تنوع و تکثر اشکال، رنگ ها و نقش هندسی - انتساب به قبر مادر هلاکو (دوره مغل)

رمزگان معنائي

دلالت های معنایی عمیق تر در بررسی عناصر معماری (مقبره منشوری ده پهلو به شکل ماندالا و نمایش سلسله مراتب گذر قدسی) - تأثیر تفکر عرفان و آیین شمنیسم در معماری بنا

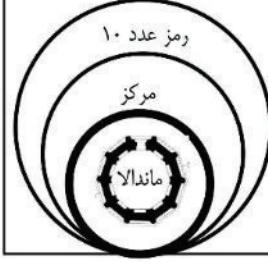
شمنیسم

عدد ۱۰ تمام کمال و تمامیت
است (شیمل، ۱۳۹۸: ۱۹۵)

عرفان

در تفکر عارفانه، مرکز دایره وجود است و به تبع آن دیگر موجودات به واسطه او، هستی و اعتبار می یابند و هدف شان چرخیدن به دور اوست. و عدد ده، در سطحی بالاتر بازگشت کثرت به وحدت را نشان می دهد (شیمل، ۱۳۹۸: ۱۹۶)

در ماندالای بودایی، خداوند در مرکز قرار دارد (کمبل، ۱۳۸۰: ۳۱۷)، و هدف داعو پیوستن به نقطه مرکزی است. در آیین شمنیسم عروج های آیینی به آسمان همواره در مرکز صورت می گیرد.

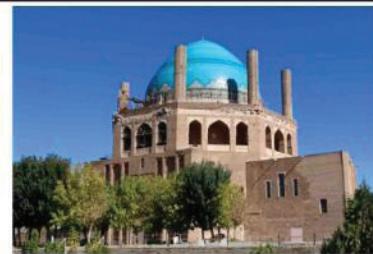
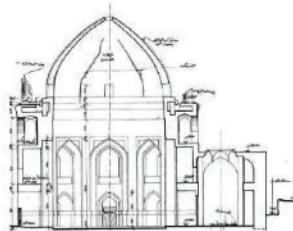
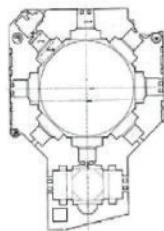


بستر تاریخی - در حدود (سلجوqi - ایلخانی (ناشخص))

تصویر ۶. فرآیند خوانش بنای آرامگاهی برج کبود مراغه بر اساس تحلیل کهن الگویی

شماره ثبت ملی: ۱۶۶

بنای آرامگاهی محمد اولجايتون(سلطانیه)



رمزگان معماری

رمزگان تکنیکی

مقبره ای ۸ گوش با گنبد دو پوش سبوبی با چهند چمنه- قطر دهانه ۲۵,۵ متر و ارتفاع ۵۰ متر- دارای ۸ مناره دارای نقش سازه ای و تزئینات مقلی- ۸ ایوان- ۸ وروdi قوس دار- پلان ۸ ضلعی به طول ۱۰,۶ متر- پلکان مارپیچی در میان جرز های ۸ گانه- دارای سه قسمت گنبدخانه- تربت خانه و سرداب- محراب با گچبری در جزء جنوبی تربت خانه- تزئینات کاشیکاری، مقرنس کاری، قندیل بندی، گچبری، کتیبه و خطوط اسمی مقدس و آیات قرآن و احادیث.

رمزگان نحوی

شكلگیری کالبد بنا بر اساس کارکردهای آرامگاه و زیارتگاه حضرت علی و فضای وسیع برای طوف- دارای وسعت و عظمت در کنار ظرافت های مادی و معنوی و ایجاد فضای روحانی- نورگیری های کلی بنا بر اساس ایجاد ساعت افتادی در اسکلت بنا و تعیین زمان اذان ظهر- ایجاد سردابه بر اساس آینین تدفین مغول.

رمزگان معنایی

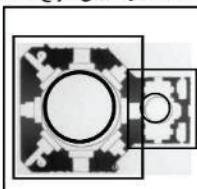
دلالت های معنایی عمیق تر در بررسی عناصر معماری(حرکت آغاز شده از طریق ورودی ها و سرسرهای قسمت زیرین بنا پس از گذر از دهلیزهای قسمت میانی، در حلقه تشکیل شده توسط مناره ها شدت گرفته و در سمعای دایره وار و جاودانی در مرتفع ترین نقطه گنبد به آسمان می پیوندد).- تأثیر تفکر عرفان و آین شمینیم در معماری بنا

تأثیر آینین شمینیم

سردابه بر اساس آینین تدفین مغولی محل دفن اولجايتون(بدون هیچ نشان و سنگ قبر) و دارای دو فضای کوچک در طرفین آن جهت استقرار نگهبانان برای جلوگیری از ورود ارواح خبیثه و دالان های تو در تو برای اجرای مراسم خاص ایلخانان شکل گرفته است. شکل ظاهری بنا برگرفته از خیمه های مغول به نام یورت.

عدد ۸ نمودی از هشت بهشت و رمز عالم مثال و اقلیم هشتم

دایره نماد آسمان مریع نماد زمین رمز عدد ۸ در تبدیل مریع به دایره



تأثیر آینین تصوف

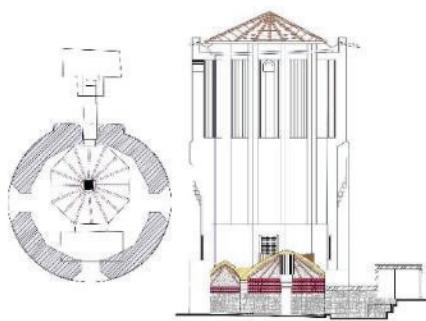
گرایش اولجايتون به تصوف و تأثیر از علامه حلی و شیخ فضل الله همدانی و تغیر نام به سلطان محمد خدا بنده- استفاده از عناصر معماری اسلامی در آرامگاه و تاکید بر شیعی بودن با انتقال حرم امام علی و تزئینات اسمامی مقدس.

بستر تاریخی ایلخانی

تصویر ۷. فرآیند خوانش بنای آرامگاهی سلطانیه بر اساس تحلیل کهن الگویی

شماره ثبت ملی: ۱۸۴

بنای آرامگاهی شیخ حیدر(بقعه الله علی الله)



رمزگان معماری

رمزگان تکنیکی

برج استوانه ای به ارتفاع ۱۸,۵ متر و به قطر ۱۰,۵ متر- نقشه داخل برج یک دوازده ضلعی کامل به قطر ۸متر و طول هر ضلع ۲,۲۰ متر- دارای دو طبقه و سرداب- دسترسی به سرداب از طریق پله- سردابه دارای نمای آهک کاری و سقف آجری- پایه برج از سنگ تراش رسوبی کرم رنگ- دو سمت ورودی دایی از ازاره ای مزین به شکل دو مثلث- سطح بدنه با آجرهای قرمز پوشیده شده و با کاشی آبی مریع شکل و نام الله تزئین شده است- ورودی برج دارای سردر بلند تزئینی و مقرنس کاری-

رمزگان نحوی

شکلگیری کالبد بنا بر اساس کارکردهای آرامگاه و ایجاد سردابه بر اساس آینین تدفین مغول.

رمزگان معنایی

دلالت های معنایی عمیق تر در بررسی عناصر معماری(گنبد- برج و فضای تهی- عناصر تزئینی- رمز عدد ۱۲- رمز تقلیل و ستاره شش پر)- تأثیر تفکر عرفان و آینین شمنیسم در معماری بنا

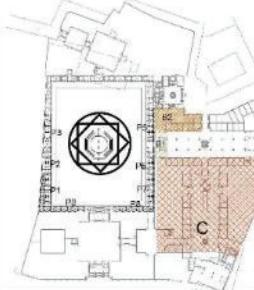
سردابه بر اساس آینین تدفین مغولی محل دفن شیخ حیدر و یارانش و یا یک صوفی ناشناس، دارای دو نماد تزئینی در طرفین آن به صورت نماد تقلیل- شکل ظاهری بنا برگرفته از خیمه های مغول به نام یورت.

گرانش شیخ حیدر(پدر شاه اسماعیل اول) به تصوف- استفاده از عناصر معماری اسلامی در آرامگاه و تاکید بر شیعی بودن و استفاده از ترتیبات اسماعیل مقدس و عدد ۱۲.

آرکی تایپ دایره (نماد آسمان)

آرکی تایپ ماندلا

رمز عدد ۱۲



آرکی تایپ تقلیل

ستاره شش پر

ستاره ۶ پر در نظر ادیان هندوویسیم:
هر آنچه در پایین است مانند هر آنچه در بالا است می باشد تا معجزات واقعیت ایجاد شود. ارتباط دو مثلث نمایانگر یکی شدن ماده و روح است. هر آنچه در این دنیا وجود دارد با تاب آنچه در دنیای نامری است می باشد. تنها با ایجاد هماهنگی و بالا نشین این دو تعادل ایجاد می شود.

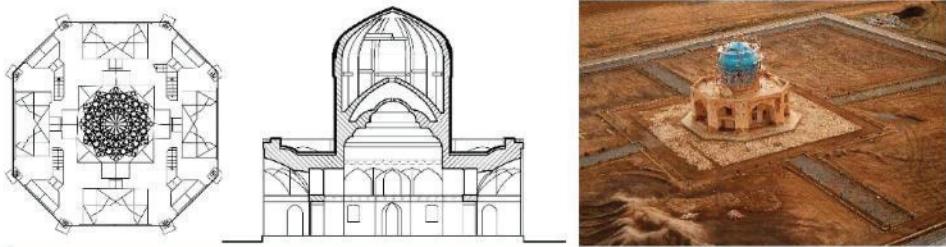
بستر تاریخی ایلخانی

تصویر ۸. فرآیند خوانش بنای آرامگاهی شیخ حیدر بر اساس تحلیل کهن الگویی

مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل و پنجم / سال پازدهم / پاییز ۱۴۰۳

شماره ثبت ملی: ۱۶۸

بنای آرامگاهی شیخ حسن کاشی (عارف و شاعر دربار اولجايتو)



رمزگان معماری

رمزگان تکنیکی

بنا مریوط به سه دوره ساختمانی (ایلخانی تا قاجار) به شکل هشت ضلعی در خارج و از داخل مربع، حاصل تلفیق ایوان های جانبی می باشد- طول اضلاع ۸ ضلعی، ۸,۳۰ و طول اضلاع فرعی ۵,۷۵ متر است- دارای دو طبقه و ارتباط با بلکانهای ایوان های شرقی و غربی- دارای گنبدی سه پوش و شلجمی با کاشیکاری معقلی و فیروزه ای- دارای طاقنمایها با تریتیات معقلی اسمی مقدس الله محمد و علی به خط کوفی- ترتیبات داخلی دارای مقنس کاری گچی و شمشه هایی به رنگ قرمز.

رمزگان نحوی

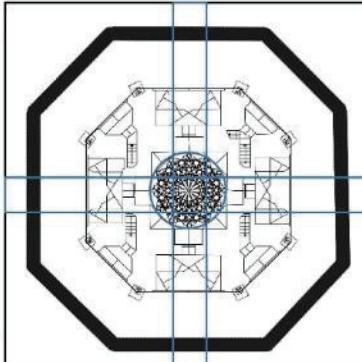
شكلگیری کالبد بنا بر اساس کارکردهای آرامگاه- کشیدگی گندید به سمت آسمان- اهمیت توجه به ارتفاع- اهمیت توجه به فضای تهی- اهمیت توجه به سقف، پرداخت هندسی و زیبایی شناسی زیر گنبد- بنا مظہر تنوع و تکثر اشکال، رنگ ها و نقش هندسی همچون شعر.

رمزگان معنایی

دلالت های معنایی عمیق تر در بررسی عناصر معماری (مقبره هشت پهلو در ترکیب با مربع به شکل ماندالا و نمایش سلسله مراتب گذر قدسی)- تأثیر تفکر عرفان در معماری بنامولانا حسن همه اشعارش در ستایش امامان شیعه بویژه امام علی (ع)

کهن الکوهای ماندالا، چلپا، مرکز، مربع، دایره، رمز اعداد چهار و هشت در این بنا تجلی یافته اند.

شکلی که از حرکت هستی و مرکز آن متصور می شود، ماندالایی است که در مرکزی ترین دایره خود، در حصار مربع قرار گرفته است و مربع، دروازه ورود به آخرین مکان قدسی دایره و مرکز است. ماندالا رمز ظرافی یا مکانی است که استحالة انسان به یک موجود الهی در آن رخ می دهد.



از منظر متون عرفانی، هستی در تعالی و حرکت دانم است. کل آفرینش در دایره های تو در تو و به صورت مداوم از عدم به وجود و از وجود به عدم، راه قدسی را طی می کند. هر موجودی به محض تحقق یافتن وجود، حرکت دایره وار خود را آغاز می کند و از مبدأ به مبدأ باز می گردد.

بستر تاریخی- در حدود (ایلخانی تا قاجار)

تصویر ۹. فرآیند خوانش بنای آرامگاهی شیخ حسن کاشی بر اساس تحلیل کهن الکویی

نتیجه گیری

بنا بر نظر بسیاری از معماران این سرزمین، هنر اساسا از مهمترین و صریح‌ترین تجلی‌گاه‌های اصول سنت است. ایران در تاریخ اسلام یکی از مراکز برجسته‌ی هنر اسلامی بوده و معماری اش از غنی‌ترین موارد موجود است. به زعم متفکران فرهنگی، بارزترین مشخصه فرهنگی ایرانیان شاعرانه بودن زبان و بیان‌شان است. در این فرهنگ، تمامی دست‌ساخته‌های انسانی، معنایی

فراتر از آنچه می‌نماید، دارد و قطعاً آرایه‌های ادبی و بیان استعاری و نمادین بخش مهمی از ساختار انتقال معنا و نظام معرفت‌شناسی آثار ایشان است. با این فرض، آثار معماری در ایران، به مثابه متون ادبی، واجد تفسیر و تشریح‌اند. این تفاسیر از طریق مضامین کهن‌الگویی صورت می‌گیرد که خود را از طریق نماد‌ها پدیدار می‌کنند. نقد روانکاوانه مفاهیم کهن‌الگویی با شناختی که در لایه‌های زیرین روان ایجاد کرده، آثار معماری را فراروی و قرائت‌های نوینی ارائه داده است. تفاسیری از معماری که همزمان دو آستانه را تحت تصرف دارد؛ نخست واقعیت ساختمانی، صنعتی و مادی و دیگر بعد انتزاعی، معنایی، ذهنی و روحانی. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در دوره ایلخانی در سایه آزادی مذهبی موجود در ساختار حکومتی، اوج ساخت مجموعه‌های آرامگاهی برای صوفیان و عارفان بزرگ را شاهد هستیم که به روش تحلیل کهن‌الگویی می‌توان خواشن معنایی جدیدی از این بنای‌های ارزشمند تاریخی، بر اساس تأثیر آینه‌های شمنیسم و تصوف در ساختار معماری فضایها بدست آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Carl Gustav Jung
2. Shamanism
3. Archetype
4. Birth/Death/Rebirth
5. Mandala

منابع

- آتونی، ب.، شریفیان، م.، و آتونی، ب. (۲۰۱۸). بررسی تطبیقی عرفان شمنی و تصوف اسلامی. *ادیات عرفانی*, ۱۰(۱۹)، ۷-۲۶.
- اتینگهاوزن، ر.، گرابار، ا. (۱۳۸۲). هنر و معماری اسلامی(۱)، ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات سمت.
- اردلان، ن.، و لاله، ب. (۱۳۹۴). حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی. تهران: انتشارات علم معمار.
- اشپرلو، ب. (۱۳۵۲). تاریخ مغول در ایران. ترجمه: محمد میر آفتاب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افلاطون. (۱۳۸۰). مجموعه آثار(چهار جلد). ترجمه: محمد حسن لطفی. تهران: خوارزمی.
- اقبال آشتیانی، ع. (۱۳۷۹). تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر.
- اکو، ا. (۱۳۹۶). کارکرد و نشانه: نشانه شناسی معماری، در نشانه شناسی(مقالات کلیدی)، توسط امیرعلی نجومیان. ترجمه: محمد رجب پور. تهران: انتشارات مروارید.
- الیاده، م. (۱۳۹۳). تصاویر و نمادها. ترجمه: محمد کاظم مهاجری. تهران: انتشارات پارسه.
- الیاده، م. (۱۳۹۲). شمنیسم: فنون کهن خلسه. ترجمه: محمد کاظم مهاجری. قم: نشر ادیان.
- الیاده، م. (۱۳۸۴). متون مقدس بنیادین از سراسر جهان. ترجمه: مانی صالحی علامه. تهران: فراروان.
- بتوی، س.م.ع. (۱۳۷۶). یونگ و سهروردی. تهران: موسسه اطلاعات.
- بیانی، ش. (۱۳۸۱). دین و دولت در ایران عهد مغول جلد ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بهمنود، ا.، بیلیان، ل.، ستارزاده، د. (۲۰۲۱). تجلی کهن‌الگوهای یونگ در ساختار معماری مجموعه آرامگاهی عارف چلبی اوغلو. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۴)، ۱۴۵-۱۶۶.
- بیانی، ش. (۱۳۸۱). دین و دولت در ایران عهد مغول جلد ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیلسکر، ر. (۱۳۹۱). آنالیز یونگ. ترجمه: حسین پاینده. تهران: انتشارات فرهنگ جاود.
- پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. (۱۳۷۸). بنای‌های آرامگاهی/دایره المعارف بنای‌های تاریخی ایران در دوره اسلامی). تهران: حوزه هنری.
- پناهی، م.، و بهمنی، ب. (۲۰۱۴). بررسی دایره‌های تعالی در گلشن راز و مفاتیح الاعجاز. پژوهش‌های ادب عرفانی، ۷(۲)، ۲۵-۶۲.
- حسینی، س.۵. (۲۰۰۹). بررسی روند شکل گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی: بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر. نشریه هنرهاي زيبا-معماري و شهرسازی، ۱(۳۸)، ۱۵-۲۳.
- دایر، و. (۱۳۸۶). درمان با عرفان. ترجمه: جمال هاشمی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا(جلد دهم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- دهقان، ن.، معماریان، غ. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی مفهوم عروج در مشترکات معنایی کهن الگو با کالبد معماری. نشریه مطالعات تطبیقی هنر، ۲(۱)، ۱۰۰-۸۷.
- ذاکرین، م. (۲۰۱۱). بررسی نقش خورشید بر سفالینه های ایران. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۳(۴۶)، ۲۳-۳۴.
- رضایی، ا.، خلیلی، م. (۱۳۹۴). جلوه های شمنیسم در سلطانیه. پیام باستان شناسی، ۲۲(۱۲)، ۱۲۸-۱۲۳.
- سرلو، خ. (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها. ترجمه: مهرانگیز اوحدی. تهران: دستان.
- شولتز، د.پ.، سیدنی آ. (۱۳۸۵). الف. تاریخ روانشناسی نوین. ترجمه علی اکبر سیف و همکاران. تهران: رشد.
- شیمل، آ.م. (۱۳۹۸). راز اعداد. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- صنعتی، م. و همکاران. (۱۳۹۴). مرگ/مجموعه مقالات. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.
- عناقه، ع.ر.، محمودیان، ح.، صابری زاده، ر. (۲۰۱۵). ارتباط عرفان و هنر اسلامی و تجلی آن در معماری آرامگاه. عرفان اسلامی، ۱۰(۴۰).
- کاسیر، ا. (۱۳۹۶). فلسفه صورت های سمبیلیک. ترجمه: یدالله موقن. تهران: هرمس.
- کشتگر، م. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی چلپیا به عنوان نماد دینی در تمدن های ایران باستان، بین النهرين، هند و چین. هنرهای تجسمی نقش مایه، ۱۲(۵)، ۷۲-۶۳.
- کمبل، ج. (۱۳۹۵). زندگی در سایه اساطیر. ترجمه: هادی شاهی. تهران: انتشارات دوستان.
- گارثوبت، ج.ر. (۱۳۸۷). تاریخ سیاسی ایران. ترجمه: غلامرضا علی بابایی. تهران: اختران.
- گنون، ر. (۱۳۷۴). معانی رمز صلیب. ترجمه: بابک علیخانی. تهران: انتشارات سروش.
- مصاحب، غ.ح. (۱۳۸۰). دایره المعارف فارسی، جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- معماریان، غ.، و طبرسا، م. (۲۰۱۳). گونه و گونه شناسی معماری. معماری و شهرسازی ایران، ۴(۱۰۳)-۱۱۴.
- میری نژاد، س.، سلجمی، ن.، شهلا، ن.، شکوری پرتوی، ش.، میرفردوس، س.م (۲۰۱۵). تأثیر شمنیسم مغولان بر معماری دوره ایلخانان در ایران. هویت شهر، ۱(۲۰)، ۷۷-۸۸.
- نصر، س.ح. (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه: رحیم قاسمیان. تهران: انتشارات حکمت.
- هال، ج. (۱۳۸۳). فرهنگ نگاره ای نماد ها در هنر شرق و غرب. ترجمه: رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هال، م. (۱۳۸۶). امپراطوری مغول. ترجمه: نادر میر سعیدی. تهران: ققنوس.
- هروی، ح.، و فلامکی، م.م.، طاهایی، س.ع. (۱۳۹۸). بازتاب کهن الگوی مادر در معماری تاریخی ایران بر اساس آرای یونگ. معماری و شهرسازی نظر، ۱۶(۷۵)، ۱۴-۵.
- همدانی، خ.ر.، فضل الله. (۱۳۷۳). جامع التواریخ، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، ج دوم. تهران: البرز.
- هیلن براند، ر. (۱۳۸۳). معماری اسلامی. ترجمه: ایرج اعتماد. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- هیلن براند، ر. (۱۳۸۶). مقابر. ترجمه: کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی (گردآورنده) معماری ایران دوره اسلامی (ف ۳ ص ۵۸-۷۲).
- تهران: سمت.
- یونگ، ک.ا.گ. (۱۳۹۵). انسان و سمبول هایش. ترجمه: محمود سلطانیه. تهران: انتشارات دیبا.
- یونگ، ک.گ. (۱۳۶۸). چهار صورت مثالی. ترجمه: پروین فرامرزی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- Blair, S. S. (1993). The Ilkhanid Palace. *Ars orientalis*, 23, 239-248.
 - Blair, S. S., & Bloom, J. M. (1996). *The art and architecture of Islam 1250-1800*. Yale University Press.
 - Bloom, J. M. (2006). the transformative medium in Ilkhanid Art. In *Beyond the Legacy of Genghis Khan* (pp. 289-302). Brill.
 - De Nicola, B. (2020). Pādshāh Khatun: An Example of Architectural, Religious, and Literary Patronage in Ilkhanid Iran.
 - De Nicola, B., & Melville, C. (Eds.). (2016). *The Mongols' Middle East: Continuity and Transformation in Ilkhanid Iran* (Vol. 127). Brill.
 - Duyshembiyeva, J. (2005). Kyrgyz healing practices: some field notes. *The Silk Road*, 3(2), 38-44.

- Eco, U. (1979). *A theory of semiotics* (Vol. 217). Indiana University Press.
- Hunt, H. T. (2012). A collective unconscious reconsidered: Jung's archetypal imagination in the light of contemporary psychology and social science. *Journal of Analytical Psychology*, 57(1), 76-98.
- Jung, C. G. (2014). *Four archetypes*. Routledge.
- Jung, C. G. (2014). *The archetypes and the collective unconscious*. Routledge.
- Jung, C. G. (1990). The archetypes and the collective unconscious. 1959. *Trans. RFC Hull. New York: Princeton UP*.
- Shelburne, W. A. (1988). *Mythos and logos in the thought of Carl Jung: The theory of the collective unconscious in scientific perspective*. Suny Press.
- Tyler, L. (1980). Jungian Archetypes: The Mandalas of Archeoastronomy.

A new framework for interpreting Iranian tomb architecture in the historical period of the Ilkhanids (Sample Study: Tombs of the geographical area of Azerbaijan)

Elnaz Behnoud*, Assistant Professor, Department of Architecture, Sardroud Center, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Lida Balilan, Associate Professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Received: 2022/1/29

Accepted: 2022/7/29

Extended Abstract

Introduction: The Mongol Ilkhanid period is one of the most important and decisive periods in the history of Iran and Many of the innovations of Iranian culture and civilization that emerged in later periods were the result of changes that manifested during the establishment of the ilkhanid dynasty and also provided valuable achievements for human history. In this period, in the shadow of religious freedom, the manifestation of the teachings and some aspects of Sufism can be seen in the physical structure of the monuments architecture. Among the architectural collections of this period, tomb architecture has a special place .Given that the construction of tombs in different societies is a major consequence of the belief in the afterlife and the love of self, it seems that the architectural structure of the tombs is closely related to archetypal concepts. Archetypes are universal facts that derive from human unconscious mind and are integrated in to human conscious mind as a global collaborative information in the form of imagery. To break the gap between the apparent and the hidden part of their minds, and to understand the archetypes, humans need the sources, such as symbols, myths, dreams, and memories. Architecture is a medium for the expression of human collective unconscious, universal myths, dreams and memories which act as a symbol in architectural spaces. One of the key archetypes that has been introduced in Jung's analytic psychology is the archetype of "process of individuality" that deals with spiritual questions about the meaning of life and the goal of creation. The purpose of this paper is to answer the question of : whether by achieving semantic concepts of these archetypes, can one understand the archetype concepts and how they are objectified in the mystical space of this tomb collection.The purpose of this paper is to answer the question of : whether by achieving semantic concepts of these archetypes, can one understand the archetype concepts and how they are objectified in the mystical space of tombs.

Methodology: Based on the purpose of this study, which is the recognition of archetypes semantic concepts, using historical interpretation method, the techniques used in sign perception have been used.

Results: According to many architects of this land, art is basically one of the most important and explicit manifestations of the principles of tradition. According to cultural thinkers, the most obvious cultural characteristic of Iranians is their poetic language and expression. In this culture, all human constructs have a meaning beyond what it seems, and certainly literary arrays and metaphorical and symbolic expressions are an important part of the structure of meaning transfer and the epistemological system of their works. With this assumption, architectural works in Iran, as literary texts, can be interpreted and explained.

Conclusion:This research tries to present a new semantic reading based on the influence of shamanism and Sufism in the architectural structure of these valuable historical buildings, relying on archetypal analysis method.

Keywords: Ilkhanid historical period, tomb, architectural interpretation, geographical region of Azerbaijan, archetypal analysis